

به نام خدا

نام: نگین

نام خانوادگی: علیخانی

سن: ۲۷

تحصیلات: دانش آموخته رشته جامعه شناسی

من یک کووید ۱۹ و از خانواده ویروس کرونا هستم مرا در آزمایشگاه درست کردند که کم کم با یک حیوان وحشی به نام خفاش دوست شدم و به بدن او چسبیدم و هر جا که میرفت من نیز همراه او بودم او حتی وقتی روی شاخ و برگ درختان می نشست من هم خود را به سطح آن درخت می چسباندم و وقتی که حیوان دیگری روی آن شاخه می نشست تا از حشرات تغذیه کند فوراً وارد بدن آن ها می شدم، یکی از این حیوانات که من در بدنش جا خوش کرده بودم وارد بازار شد و انسان ها با خرید آن مرا وارد بدن خود کردند. من آن قدر سنگین و تپلی هستم که نمی توانم در هوا بمانم، محل زندگی من ریه ها هستند و تاج هایی روی بدنم دارم که با آن ها می توانم به هر گیرنده ای متصل شوم و با یکی از گیرنده های سلول جفت می شوم، به مدت دو تا چهارده روز به صورت ناشناس به هر جا که دوس داشتم می روم و بعد از اینکه سلول ها مرا شناختند جنگ سختی بین ما رخ می دهد و نهایتاً من پیروز میدان شده و وارد کیسه های هوایی می شوم و اجازه نمی دهم که اکسیژن وارد خون شود، با این کار تب و سرفه در انسانها بروز می کند و سلول های دفاعی بدن را از کار می اندازم، حتی گاهی وارد کلیه ها شده و در عملکرد آن ها اختلال ایجاد می کنم من آنقدر قوی هستم که می توانم وقتی یکی از انسان ها را آلوده کردم او نیز به ۱۱ نفر دیگر هم منتقل کند. پس اگر میخواهید که با من مواجه نشوید؛ باید به طور مرتب دست هایتان را با آب و صابون بشویید و از دست دادن و روبوسی کردن بپرهیزید ماسک را هم فراموش نکنید.

جستواره علم بزرگای همه